

# رسانه‌شناسی

سال سوم ، شماره دهم / شماره مجوز: ۹۷۵۱۳  
ماهنامه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و صنفی



حال دانشگاه خوب است  
بشنو اما باور نکن!  
صفحه ۶

در این شماره میخوانیم:

بحران آب از منظر حکمرانی  
صفحه ۵

تیغ ۲ لبه  
صفحه ۷

بیداری دانشگاه و بیداری صنعت  
صفحه ۴

نترسید! دانشگاه زمین تمرین شماست  
صفحه ۱۱



# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- ۳..... بهره برداری از بحران های اجتماعی ممنوع .....  
امیرعلی وطن دوست
- ۴..... بیداری دانشگاه و بیداری صنعت .....  
رمضان روحانی
- ۵..... بحران آب از منظر حکمرانی.....  
محمد صدوقی
- ۶..... حال دانشگاه خوب است، بشنو اما باورنکن .....  
مهدی دهشویی
- ۷..... تیغ دو لبه .....  
معصومه سیستانی
- ۸..... فرشته .....  
هانیه هادی زاده
- ۸..... تدبیر و کیلان قوی تر بادا .....  
پرویز
- ۹..... این دیگه چه سمی بود مستر شمقدری .....  
ساره ماه خان مقدم
- ۱۰..... تکنولوژی دردسرساز یا دردسرسازی برای تکنولوژی؟.....  
ساناز ثابتی
- ۱۱..... نترسید! دانشگاه زمین تمرین شماست.....  
سید مهدی وزیری

سجده  
دفعه  
سرا

سال سوم، شماره دهم، دی ماه ۱۴۰۰

ماهنامه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و  
صنفی

شماره مجوز : ۹۷۵۱۳

صاحب امتیاز :

سید مهدی وزیری

مدیرمسئول و سردبیر :

امیرعلی وطن دوست باجگیران

دبیر هیئت تحریریه :

معصومه سیستانی

نویسندگان این شماره :

امیرعلی وطن دوست، رمضان روحانی،

مهدی دهشویی، معصومه سیستانی،

هانیه هادی زاده، ساره ماه خان مقدم،

ساناز ثابتی، سید مهدی وزیری، سجاد

واحدی خراسانی

و محمد صدوقی به عنوان نویسنده

میهمان

ویراستار :

سجاد واحدی خراسانی

عکاس:

محمد مهرورزیان

مسئول روابط عمومی :

زهرا حسینی

طراح و صفحه آرا :

سید علی اصغر هاشم زاده

سیدرضا محمدی توو پست اینستاگرامی، از یک خانواده‌ی افغانستانی اهل بدخشان به نام سلیمی گفته بود که مادر و سه تا دخترش، همگی شاعر بودند. این دو بیت از اشعار دختر کوچک خانواده‌س که فقط ۱۷ سال داره:

با خویش می‌برم به هیاهوی شب تو را  
جایی میان بوسه و آغوش و لب تو را  
آن قدر خاصه‌یی که طیبیان شهر ما  
تجویز کرده‌اند به هنگام تب تو را...

سجاد واحدی خراسانی





## امیر علی وطن دوست

مهندسی مواد و متالورژی ۹۷

شکوه قبلی را بدست آورند؛ و یا در ایران که بعد از حمله مغول، تا سالیان دراز نتوانستند از آن مصیبت آن تخریب بزرگ، سر برآورده و تا دوران تیموریان در افسردگی سیاسی به سر بردند.

آلمان نیز دقیقا در ۱۹۱۸ پسای جنگ جهانی اول، به تنهایی بیش از ۲ میلیون کشته داده بود و با حجم ویرانی های بی سابقه و پرداخت غرامتهای جنگی ۸۰ساله، نداشتن حق حاکمیت ملی در برخی مناطق کشور و جریحه دار شدن غرور ملی و در اوج انزوا جهانی، با جامعه مغرور در افسردگی سیاسی روبرو بود. تورم و بحران حاد اقتصادی و بیکاری توده های را رقم زد.

## آلمان در مسیر احیاء!

آلمان با وجود شکست خانمان سوز در نوامبر ۱۹۱۸، در بیستمین سال قرن بیستم در کمال ناباوری آنهم دقیقا ۲سال پس از شکست جنگ، توانست بر بخشی از مشکلات اقتصادی فائق آیند و در دوره کوتاهی که آن را سال های طلایی بیست می خوانند، در مسیر بهبود وضعیت قرار گیرند.

اساساً در بحران های شدید اقتصادی و مشکلات اجتماعی و فرهنگی، جریان های افراطی برای جبران سازی اقدام می کنند. این جریان ها که در صدد پایه گذاری یک نظام توتالیتر برمی آیند و در تمام امور سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی دخالت می کنند. در خفقان این حکومت، بسیاری از فعالان سیاسی و نویسندگان و دانشمندان و هنرمندان تن به تبعید دادند و آلمان را ترک کردند.

عدهی کثیری از نویسندگان و هنرمندانی که در کشور مانده بودند، از هر فعالیتی منع شدند یا خود انزوا را به حضور در فضای فاشیسم زده ترجیح دادند.

## هایل هیتلر

از سال ۱۹۳۳ حزب نازی با سو استفاده از بحران اجتماعی و افسردگی سیاسی جامعه دستگاه دولتی را زیر کنترل خود درآورد و از فرمانبرداری ارتش مطمئن شد، به رهبری آدولف هیتلر، از ۱۹۳۴ به تلاش تسلیحاتی برای تدارک جنگ آغازید. آلمان دیگر دیگر یک جامعه افسرده نبود بلکه متاثر از سخنرانی های سراسر شور و هیجان و تزریق امید، دوباره سر بلند کرد. وقتی هیتلر در ایوان رایشستاگ غریب به ۷ ساعت سخنرانی میکرد و از میلیون ها سرباز سان میدید، هیچکس گمان شکست او را نداشت خود او گفته بود «تخریب رایشستاگ نماد انحطاط ماست» و همینگونه نیز شد. تا بعد از شکست دوباره در یک جنگ خانمان سوز دیگر، کشور به دو نیمه شرقی و غربی تقسیم شود.

در نهایت امر شاید بتوان شرایط امروز ایران را با آلمان پس از جنگ جهانی اول از جهت فرورفتگی عمیق جامعه در یک «افسردگی سیاسی» فراگیر یکسان دانست. مردم ایران درگیر و دار مشکلات معیشتی و اقتصادی شدیدی هستند که به تمام ارکان زندگی آنان اعم از سلامت، روابط اجتماعی، خانواده و... سرایت کرده است. در همین زمان بود که دولت سیزدهم با شعار ایران قوی برسرکار آمد و وعده ی تشکیل یک دولت عادل، توسعه محور و محرومیت زدا را داد؛ ولی در کابینه دولت متأسفانه آنچنانی که انتظار میرفت، دولت مقتدر در شأن برنامه های طرح شده، تشکیل نشده و عملکرد آنها نوید پیشرفت در مسیر اهداف ترسیمی نمی دهد.

در بیانیه گام دوم انقلاب رهبری فرزانه انقلاب به صراحت از فاصله بسیار بین بایدها و نیایدها و عدم تحقق عدالت در تمامی سطوح، یاد می کنند. عدالت به عنوان عنصر تضمین کننده یک حکمرانی سالم شناخته می شود. اگر مسیر آگاهی بخشی هم به مردم و هم به مسئولین، سرعت نپذیرد و عملکرد هر دو گروه بعنوان جریان تاثیرگذار اصلاح نشود، بیم یک سقوط اخلاقی و اجتماعی کلان در تمام جامعه ایران هست.

از طرفی تا هنگامی که باب مشورت پذیری و پاسخگویی مدیران به روی نخبگان و مردم باز نشود، و مردم مسیر مطالبه درست از مدیران را درک نکنند؛ کشور آن شتاب مورد نیاز و آن نمود فراگیر و عمومی را نخواهد داشت. شاید در لفظ بتوان شعارهای بسیار داد و این شعارها را در بلندگوهای بزرگ و در مقابل چشم و گوش میلیون ها نفر ایراد کرد، اما مادامی که مطالبه منطق حکمرانی مردم از حاکمان، تخصص و اخلاص محور به معنای کلمه نباشد، آش همان آش و کاسه همان کاسه است.

هیتلر یک فرد بود ولی یک فرد نماند. امروزه هیتلریسم (جریان شناسی هیتلر) در بسیاری از دانشگاه های معتبر جهان مورد بررسی و تحقیق قرار میگیرد. او کسی بود که کشورش را پس از شکست در جنگ جهانی اول با روی کار آمدن به عنوان یک سیاست مدار نسبتاً جوان، به چنان شکوفایی بدل کرد که آلمان دوباره به اوج قدرت نظامی و صنعتی تبدیل شد و توانست یک جنگ همه جانبه دیگر را شروع کند. بسیاری شنیدهایند که هیتلر خجالتی بود و قبل از سخنرانی های شور انگیز و آتشین خود، متن آن را ضبط کرده و چندبار تمرین میکرد تا برای هر قسمت واکنشی شور انگیز داشته باشد.

یکی از پرسش های مطرح در میان صاحب نظران جامعه شناسی و علوم سیاسی این بود که «چرا آلمانها با کشوری جنگ زده، دوباره پای سخنان هیتلر نشستند و خود را برای جنگ فراگیر دیگری آماده کردند؟!» از منظر جامعه شناختی:

شاید پاسخ در بررسی یک مفهوم باشد؛ اصلی مهم و قابل تامل منصوب به «افسردگی سیاسی».

در توصیف آن به بیانی ساده میتوان گفت: گروه های مختلف سیاسی و حامیانشان مبتنی بر شرایط و جو سیاسی حاکم بر جامعه، به انزوا می گریند و بعضاً این انزوا با توجه به عامل موجود در سطح جامعه، همه گیر میشود.

برای مثال در یونان بعد از حمله اسکندر مقدونی به آتن، بعنوان پایتخت تمدن فلسفه در آن دوران، دیگر نتوانستند آن







رمضان روحانی

دکتری نانو تکنولوژی

کنشگر حاشیه شهر

شهید بهشتی فرمودند دانشجو باید مؤذن جامعه باشد و اگر مؤذن جامعه خواب بماند نماز همه ملت قضا خواهد شد. به نظر من دانشجو مادامی می تواند نقش مؤذنی را داشته باشد که خود بیدار باشد فردی که در زمان اذان بیدار باشد می تواند مؤذنی کند در اینجا مقصود از موقع اذان برهه های حساس و پیچیده جامعه امروز ماست. با توجه به شرایط کنونی جامعه می فهمیم دانشجویان فاصله زیادی را تا بیدار شدن در پیش دارند و فاصله طولانی تری تا مؤذنی و بیدار کردن جامعه برای قضا نشدن نماز. وظیفه اصلی دانشجو تمرکز بر مطالعه و پژوهش است اما این مطالعه و پژوهش باید در بستر تولید در کشور قرار گیرد یعنی جنس پژوهش و مطالعات دانشجو به واقعیت کشور و نیاز کشور نزدیک و مرتبط باشد به عبارت دیگر دانشجو مطالعات و پژوهش هایی کاربردی داشته باشد. علت و ضرورت اتخاذ چنین رویکردی مانند روز روشن است اینکه وطن در شدیدترین محاصره و تحریم قرار دارد به کنار اما مسئله امروز تولید است چراکه با تحقق این مسئله مسائل بنیادی تری مانند اشتغال نیز حل خواهد شد.

از اهمیت تولید می توان روزها سخن گفت اما بیاییم کمی ملموس تر به فضای صنعت و دانشگاه بنگریم با بررسی فضای کنونی مسئله مانع زدایی در تولید یکی از سدهای مهم در مسیر شکوفایی استعداد های جوانان و نخبگان این مرزوبوم مطرح می شود. مسئله ای که تا حل نشود نه می توان نیروی متخصص را به بستر صنعت پیوند زد و نه می توان انتظار کارآمدی و بازدهی از صنعت داشت و نه حتی بستری برای پیوند خوردن دانشگاه و صنعت ایجاد کرد؛ برای حل این مسئله ابتدا باید دانشگاه درک درستی از مانع و سد و تولید پیدا کند پس لازم است این مسئله به دانشگاه ها کشانده شود.

با بررسی موانع تولید و ریشه یابی آن به سه راهکار عملی و قابل درک که می تواند با توجه به خاستگاه این موانع مؤثر واقع شود می توان دست پیدا کرد؛ در حوزه مانع زدایی با سه دسته بازیگر مهم که صحنه آرای میدان موانع هستند مواجهیم دسته اول که خود درمان معضلات ریزودرشت کشور محسوب می شوند دانشجویان هستند.

دانشجو زمانی می تواند وارد عرصه تولید شود و ذهن خود را به سمت عینیت ها و واقعیت ها و نیاز های این میدان سوق دهد که ابتدا ذهنیتی درست و منطقی و توانایی های فنی کافی در جهت رفع نیاز های صنعت کشور داشته باشد.

بهترین راه کسب این توانایی ها و ویژگی ها این است که دانشجو متناسب با رشته تحصیلی خود با صنایع مرتبط با حوزه تحصیل خود ارتباط قوی داشته باشد؛

دانشجویان باید در کنار تحصیل ارتباط خود با صنعت را به شکل کارآموزی حفظ کنند.

دانشجویان باید در کنار تحصیل به فراگیری نرم افزار های کاربردی و صنعتی رشته خود اهتمام ورزند و اطلاعات خود را در راستای صنعت جهانی مرتبط با رشته خود به روزرسانی نمایند.

دسته دوم کسانی هستند که در تربیت اذهان دانشجویان و ترغیب آنان برای ورود صنعت مهم ترین نقش را ایفا می کنند؛ دسته دوم اساتید هستند، اساتید علاوه بر اینکه باید مستقیم و غیرمستقیم مشوق این عمل مهم باشند می توانند فشار حاصل از الزام برای نگارش مقاله را از روی دوش دانشجویان تحصیلات تکمیلی برداشته و پروژه ها و پایان نامه های دانشجویان دکترا و ارشد را به سمت صنعت سوق دهند.

مسئله مهم دیگر که می تواند کمک شایانی به وضعیت فعلی بکند این است که اساتید پایان نامه ها و مقالات نگارش شده درگذشته را از قفسه های کتاب خارج و به منصفه ظهور برسانند تا هم زحمات گردآورندگان آن حیف نشود و هم از علم انباشته شده در این سال های طولانی استفاده مؤثرتری (بجای پر کردن کتابخانه های پر خاک) صورت گیرد.

اساتید باید تلاش بکنند تا آنچه تا امروز به شکل تئوری نگارش شده است را برای پیشبرد اهداف صنعتی کشور خرج کنند.

دسته سوم هم به عنوان بستر سازان اوضاع کنونی و سازندگان فرایندهای کم بازده حاکم بر نظام علمی و صنعتی کشور شناخته می شوند؛ دسته سوم مسئولین هستند، مسئولین می توانند با خلق بسترهای مشوق برای تشویق نخبگان و دانشجویان و از طرفی تغییر در قانون راه را برای مسافران این مسیر ناهموار هموارتر کنند.

در این زمینه مسئولین قانون گذار باید به تغییر قوانین مربوط به ارتقاء دانشجویان و ارتقاء اعضای هیئت علمی توجه کنند امروز متأسفانه ارتقاء اعضای هیئت علمی صرفاً بر مبنای تعداد مقالات کمیته مقالات و کیفیت مقالات سنجیده می شود پیشنهادی که در این زمینه مطرح می شود این است که ارتقاء اعضای هیئت علمی بر مبنای تعداد مقالاتی که از حوزه تئوری به حوزه عملی وارد شده است باشد برای دانشجویان دکتری نیز دادن دو مقاله برای دفاع اجباری است درحالی که می توان ساخت یک قطعه یا تکمیل یک فرایند در صنعت را ملاک دفاع قرار داد.

با رصد کلی فضای جامعه متوجه می شویم که راه درازی در پیش داریم و از طرفی زمان کمی برای طی طریق در دسترس است پس اگر دانشجو همچنان به خواب راحت خود ادامه دهد نمی توان امید به بیداری داشت جامعه نیازمند سطل آب یخی است که بیداری بدون بازگشت به خواب خرگوشی را به ارمغان بیاورد.





# بحران آب

از منظر حکمرانی

محمد صدوقی

پژوهشگر مطالعات حکمرانی

فعال سیاسی و رسانه



## مقدمه:

امروز شاید یکی از چالش‌های جدی در عرصه‌ی حکمرانی در دنیا، مسئله‌ی کم‌آبی است و این مسئله به ویژه در ایران به دلایل مختلف نمود بیش‌تری دارد. در این یادداشت کوتاه، مسئله‌ی آب را از منظر حکمرانی بررسی می‌کنیم.

## عدالت:

بر اساس نصوص دینی، هدف حکمرانی اسلامی، برقراری عدالت «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» مطرح شده است. به صورت مثال در مسئله‌ی آب، اولویت با تأمین آب شرب برای همه‌ی مردم ایران است و در مرحله‌ی بعد و در صورت وجود آب لازم می‌توان به طرح‌هایی مثل دریاچه‌ها و آبشارهای مصنوعی توجه نمود. اما متأسفانه در حالی که بسیاری از مردم در خوزستان که زحمات زیادی را در دوره‌ی دفاع مقدس متحمل شده‌اند، در برخی مناطق آب شرب ندارند، مجموعه‌های دولتی به دنبال اجرای طرح انتقال آب از دریای عمان با فاصله‌ی بیش از ۱۰۰۰ کیلومتری به شهر مشهد برای آبشارهای مصنوعی هستند! چرا در غیزانیه که بیش از ۵۰۰ هزار بشکه نفت استخراج می‌شود، یک خط لوله‌ی آب شرب ایجاد نشده است و ما در تهران دریاچه داریم؟

## آینده نگری:

یکی از شاخص‌های حکمرانی مطلوب، آینده نگری در اقدامات و تصمیمات است. با وجود پیش‌بینی کمبود آب و کاهش بارش، چرا در برخی مناطق باید میوه‌های آب‌بری مثل هلو و هندوانه کاشت شود؟ چرا باید در برخی مناطق خشک، صنایع آب‌بر ایجاد شود؟ به عنوان مثال، ارزش اقتصادی آب مصرف‌شده برای میوه‌ای مانند هندوانه، شاید دوبرابر ارزش اقتصادی فروش آن باشد.

ساخت نیروگاه شهید مفتح همدان نیاز به آب زیرزمینی داشت و ضربه‌ی بزرگی به آب زیرزمینی وارد نمود و همین مسئله سبب خالی‌شدن روستای سیلک از سکنه شد!

## فقدان عقلانیت:

در حکمرانی عقلانی، همه‌ی رفتارهای مدیریتی بر اساس پشتوانه‌ی فکری و عقلانی لازم است. این که در یک دهه، به صورت افراطی به سمت سدسازی حرکت شد، بر اساس چه منطقی بود؟ امروز اکثر سدهای ایران خالی از آب هستند و همین مسئله سبب وقوع بحران‌های زیست‌محیطی مثل گردوخاک می‌شود که نمونه‌ای از آن را در اهواز می‌توان دید. در نمونه‌ای دیگر، در طرح انتقال آب از دریای عمان به مشهد، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری دولت دوازدهم و وزارت نیرو مخالف بودند، اما چه کسی موافق بود؟

تقدم محیط زیست بر اقتصاد: در توسعه‌ی پایدار می‌گویند باید کم‌ترین ضربه به منافع عمومی وارد شود و اولویت اول حفظ محیط زیست است. اما استخراج نفت را به دلیل مشاوره‌ی غلط شرکت چینی در محیطی خشک انجام دادند و تالاب هورالعظیم خشک شد!

## اصلاحات ساختاری:

کل آب انتقالی از دریای عمان به مشهد حدود ۰۰۱ میلیون متر مکعب است. در کشت محصولات زراعی استان خراسان رضوی ۳۰ درصد پرتی تولید محصول کشاورزی وجود دارد. میزان آبی که صرف ۳۰ درصد پرت و ضایعات می‌شود، چقدر است؟ سالیانه یک میلیارد متر مکعب خرج همان ۳۰ درصد می‌شود، چرا هزینه‌ای را صرف کاهش ضایعات نمی‌کنید؟ ارزش ارزی این محصولات، دو میلیارد دلار است و یک میلیارد متر مکعب جلوی پرت آب را گرفتید! مقایسه کنید این عدد را با عدد آبی که قرار است به مشهد منتقل شود.

## جمع‌بندی

وضعیت بحرانی آب، نتیجه‌ی تصمیمات لحظه‌ای مدیران گذشته است. صدای انفجار اقدامات و طرح‌های ضعیف، ۱۰ سال بعد به صدا در می‌آید، کاش بدون مشورت متخصصان کاری نکنیم!



# حال دانشگاه خوب است؛ بشنو اما باور نکن!



مهدی دهشیبی  
فارغ التحصیل گیاه پزشکی

با این حال پس از گذشت ۳ ماه از شروع سال تحصیلی جدید، خبرهای ضد و نقیض زیادی در خصوص بازگشایی به گوش می‌رسد که هیچ‌کدام سرانجامی ندارد، اما سوالاتی را در ذهن دانشجویان تداعی کرده است.

تاکنون مسئولین دانشگاه چه تدبیری برای بازگشایی دانشگاه انجام داده‌اند؟ مسئولین در جهت حل معضلات اساسی و زیرساختی نیازهای دانشجویان مثل خوابگاه و سلف و ... چه میزان گام برداشته‌اند؟ چه امکاناتی برای شروع روند جدید و نیازهایی مبتنی بر شرایط کرونا و سلامت دانشجویان دیده شده است؟

از همه مهم‌تر، آیا دانشگاه برای شروع ترم تحصیلی جدید و حضور و کلاس‌ها برنامه‌ای دارد یا می‌خواهد به صورت آزمون و خطا اداره شود؟

دانشگاه که می‌خواهد برای مسائل جامعه راه‌حل علمی و اصولی بدهد، آیا خود می‌تواند در آزمون اداره‌ی خود موفق باشد یا خیر؟



هرچند جواب سوالات تا حدی مشخص است، چراکه جنس دغدغهی مسئولین سابق از نوع مجسمه بود، ظاهری زیبا درعین حال منجمد و ساکن.

امیدوارم مسئولین در نزدیک‌ترین زمان ممکن پاسخ سوالات بالا را حداقل جهت اصلاح اذهان دانشجویان پاسخ دهند و تشکل‌های دانشجویی نیز به عنوان رسالت اصلی خود از مسئولین این سوالات را بپرسند.

و اما حال دانشگاه خوب است...

در روزهای سکوت دانشگاه که روزی مملو از دانشجویان با انرژی و خوش‌ذوق بود، ما اخبار بازگشایی دانشگاه‌ها را از روی وبسایت‌ها و استوری‌های گوشی خودمان دنبال می‌کنیم. اکنون دانشجویان در خانه مشغول امر مهم تحصیل هستند. هرچند پس از مدت‌ها دل‌شان برای هوای سرد پاییزی درختان نزدیک مسجدازهرا و شکوفه‌های بهاری دانشکده کشاورزی لک زده است، اما برای حفظ سلامتی خود به دانشگاه نمی‌آیند. این روزها پس از واکسیناسیون



گسترده دانشجویان و تصمیمات جدی برای بازگشایی دانشگاه‌ها، وزارت عتف، خود دست به کار شده و در هیاهوی خبری، بخش‌نامه‌های متفاوتی صادر می‌کند که در آخرین تصمیم، امر بازگشایی را به عهده‌ی خود دانشگاه‌ها محول کرده است. هرچند خود این جای بحث دارد که چرا چنین تصمیمی را مبهم و بدون تعیین سقف زمانی گرفتند و چرا از دانشگاه‌ها سوال نکردند که چرا زیرساخت‌های لازم برای کلاس‌های حضوری در شرایط جدید را فراهم نکرده‌اند؟

از این نیز بگذریم، در دانشگاه فردوسی اخیراً ریاست محترم دانشگاه، مصاحبه‌ای انجام داده و خبر بازگشایی دانشگاه را به صورت غیردقیق و تا حدی مبهم اعلام کردند! این درحالیست که ما از سومین دانشگاه کشور که خود را الگوی سایر دانشگاه‌های منطقه نیز می‌داند، این را انتظار نداشتیم.

از طرفی جشن دانشجویی و غرفه‌های جدیدالورود برگزار شد و نتیجه‌ی آن حضور حداقلی مخاطب بود این را به ذهن می‌رساند که آیا این همه کار خبری و دعوت از بعضی مسئولین همیشه‌ثابت وزارت در دانشگاه، چیزی جز یک پوشش خبری بوده یا خیر؟

بماند که غرفه‌های ورودی امسال جز برای دورهمی‌های دوستانه و تجدید دیدار عزیزان





# تیغ دولبه



معصومه سیستانی

علوم سیاسی ۹۹

دانشگاه فردوسی مشهد از دانشگاه های دولتی سطح یک و زیر مجموعه وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری ایران است که بر اساس نام حکیم ابولقاسم فردوسی ، شاعر و حماسه سرای بزرگ ایران نامگذاری شده است. این دانشگاه که پیشنهاد بنیادگذاری آن به دهه بیست خورشیدی بر میگردد سومین دانشگاه بنیان گذاشته شده ایران به شمار می آید ، همچنین این دانشگاه در زمان پهلوی از نظر علمی و کاربردی و اکادمیک زیر نظر دانشگاه جرج تاون واشنگتن. دی. سی. قرار داشته است. دانشگاه فردوسی مشهد با دارا بودن ۱۳ دانشکده ۸ ، پژوهشکده و بیش از ۲۵۰۰۰ دانشجوی داخلی و بین المللی و ۸۱۴ عضو هیئت علمی به عنوان یکی از برترین دانشگاه های ایران و قطب علمی شرق کشور محسوب می شود که هر ساله دانشجویان مستعد و توانای زیادی را به خود جذب کرده است. اما حکایت از نصب مجسمه ای به نام مجسمه فردوسی است که بار دیگر حضور شهرداری این نهاد بزرگ و موثر شهری را در دانشگاه به دنبال داشته است . حضور شهر داری در دانشگاه اما این بار در قالب پیمانکار مجسمه فردوسی و به عنوان یک نهاد موثر شهری در مشهد در یکی از بزرگترین دانشگاه های کشور و صرف هزینه برای دانشگاه با در نظر گرفتن تمامی جنبه های حضور شهرداری در این دانشگاه را می توان همچون تیغه دو لبه ای در نظر گرفت که هم میتواند نوید بخش باشد و هم نگران کننده!

اگر این حضور و این همکاری صرف استفاده از ظرفیت های علمی باشد میتواند زمینه ساز اتصال مسائل علمی بین دانشگاه و شهرداری و استفاده از دانشجویان نخبه و مستعد این دانشگاه در اموری باشد که این دانشجویان با ذهن های پویا می توانند دیدگاه ها و نظراتی در قالب با مشکلاتی به وجود آمده در سطح شهر به شهرداری عرضه کنند، که باعث ارتقاء عملکرد بهتر شهرداری باشد .

زیرا با توجه به سخن رهبر معظم انقلاب اسلامی؛ شهرداری علاوه بر ساخت و ساز و ایجاد رفاه ابتدا باید از رویکرد و روش های علمی نیز استفاده بیشتری داشته باشد زیرا عمده مشکلات شهری با استفاده از رویکرد علمی قابل حل است و می تواند به نتایج خوبی برسد. همچنین زمینه ساز پیشرفت جوانانی باشد که مستعد، کوشا ، خلاق و باسواد که چاشنی بخش اینها شور و شغف جوانی است و به حتم توانایی این را دارند که مسئولین را در اداره هرچه بهتر کارها همراهی کنند. این تقابل عمل همچنین می تواند نکات مثبتی برای دانشگاه فردوسی از جمله رفاه هرچه بیشتر ۲۵ هزار دانشجوی دانشگاه فردوسی کارکنان و کارمندان و اساتید این دانشگاه را به همراه داشته باشد در واقع حضور این نهاد موثر در دانشگاه جوانه های امیدی را برای فردای بهتر زنده کرده است و هم می تواند مشکل و نگرانی های ایجاد کند که روند پیش بینی این همکاری به درستی پیش نرود و حضور شهرداری اگر با اهداف ترقی خواهانه و استفاده از ظرفیت های علمی و دانشجویی در دانشگاه همراه نباشد و این حضور صرف استفاده از ظرفیت سیاسی باشد ، همچون عملکرد های ناموفق؛ جشن ۷۰ سالگی و برداشته شدن دیوار های دانشگاه ، باعث بروز مشکلاتی شود و آسیب های جدی به دانشگاه و قشر دانشجو وارد کند و نارضایتی هایی را به همراه آورد که همین امر باعث آسیب به روحیه دانشگاه وعدم پیشبرد درست همکاری بین شهرداری و دانشگاه را نیز به همراه داشته باشد . فاصله گیری شهرداری و دانشگاه از هم باعث می شود به فضای علمی که درگیر حل مشکلات شهری از طریق بار علمی است ناکامی هایی وارد کند اما حدس ها محتمل بر آن است که با تغییرات ایجاد شده بر رویکردی که مدیر دانشگاه و شهرداری فعلی در پیش گرفته و خواهند گرفت شاهد یک عملکرد مثبت در جهت ارتقاء فرادایی بهتر باشیم.



سال سوم، شماره دهم، دی ماه ۱۴۰۰

رگات







# تدبیر و کیلان قوی تر بادا



## پرویز

دوش افتاد به جان درد جدایی یارا  
گفتم چه کنم از این جراحت یارا  
گفتند برو به دیدن یار طبیب  
زیرا که بود شفا دودستش یارا  
رفتم به مریض خانه یار طبیب  
آنجا که بود دواى دردم یارا  
به بر یار حکیم چو من رسیدم دیدم  
خلقی چو ملخ در پی گندم یارا  
آن حیاتی که هدر رفت اندر مطبش  
قسمت وصلت ما بود به خداوند! یارا  
مزد دستان طبیب را نتوان بشمارم  
هرچه اندوخته‌ام رفت ز کف من یارا  
اندر این راه و در این مجلس افروختگان  
سوختم به خدا جگر نمانده یارا  
آن درد حقیر برفت این درد آمد  
بر ما بگذشت داغ عظیمی یارا  
در موطن ما یک نفر است یار طبیب  
آن هم به بر مردمان کم بادا  
از علم بشر کمی سعادت نرسید  
زیرا که بود هدف قرانی یارا  
این داغ به پایان نرسد تا به ابد  
در مجلس ما طرح صیانت بادا  
از مجلس ما طرح صیانت که گذشت  
لیت اعمار و کیلان طویل تر بادا



هانیه هادی زاده  
فعال فرهنگی

# فرشته

قسمت اول



آروم آروم قدم می زدم و با خودم زمزمه می کردم:  
مرا رازبست اندر دل به خون دیده پرورده  
ولیکن باکه گویم راز چون محرم نمی بینم  
قناعت می کنم با درد چون درمان نمی بینم  
تحمل می کنم با زخم چون مرهم نمی بینم

سعدی

خیلی وقت بود منتظرش بودم و نیومده بود؛ ناامید  
شده بودم و می خواستم برگردم که اسسم رو صدا زد:  
با همون لحن زیباش، انگار کس دیگه ای بلد نبود  
اینطور صدام بزنه. برگشتم سمتش، چشمش از  
خوشحالی می درخشید، کم کم لب هاش هم به  
لبخند باز شد. اومد نزدیکم و بیشتر نگاهم کرد، از  
خجالت سرم رو انداختم پایین، دستم رو گرفتم، نشست  
ومن روهم کنارش نشوند.

زمین جلومون بود و می درخشید. معلق معلق بودیم،  
خیره به ابرهایی که به آرومی با زمین می چرخیدن،  
اشک هام ریخت و گفتم:

( ببخش که تنهات گذاشتم، دیگه برگشتم پیش  
خودت. )

دستم رو به آرومی فشرد و با اندوه گفت:

( آدمها چقدر زود پشیمون میشن. )

داشت سرزنشم می کرد، حق هم داشت. با یادآوری  
سختی ها چشمم رو بستم و گفتم:

( زود نبود... شش سال سختی کشیدم، دلم شکست،  
خرد شدم ولی تهش فهمیدم هیچکس مال من  
نیست؛ تهش بازهم به حرف خودت رسیدم که گفتی  
برمی گردی پیشم { گریه ام شدت گرفت و برگشتم  
سمتش { دیگه نمی خوام اونارو { به زمین اشاره  
کردم { خیلی بی رحم ان، خیلی راحت دل می شکن  
و پست می زنن وقتی می فهمند کمی بهشون علاقه  
داری { حق هق کردم { نذار برم، نذار بزم گردونن، از  
همشون بدم میاد، میخوام پیش خودت باشم، فقط  
خودت. )

دست دیگه موهم گرفت و بالبخند نگاهم کرد. چشم  
هاش مثل قبل بود، انگار سرمه کرده بودنشون. سرم  
رو گذاشتم روی سینه اش و به زمین خیره شدم؛ چقدر  
خوب بود این آغوش. موهام رو نوازش کرد و گفت:

یوسف اگر قلب زلیخا را شکست

تا ابد پای زلیخا هم نشست

گرچه زلیخا دل و قلبش شکست

غیر یوسف به کسی دل نیست

لبخندی اومد روی لب هام، خوب معنی اش رو می  
دونستم، این یعنی هنوز هم دوستم داره.

چشم هام رو بستم و پر شدم از عطر بهشتی اش. حال  
خوب شده بود و نمی خواستم حتی به این فکر کنم  
که این آغوش واقعی نیست، چون من مثل اون  
آسمونی نبودم و اون هم زمینی نبود.

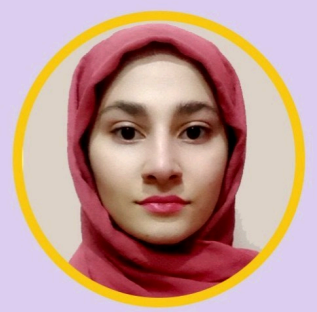
با حسرت اشکم چکید و زمزمه کردم:

( بی تاب تو ام! ای توهمانی که ندارم. )





# این دیگه چه سَمی بود مستر شمعدری؟



ساره ماه خان مقدم

فلسفه و حکمت اسلامی ۹۹

امروزه با مستندها و فیلم‌های بسیاری روبه‌رو می‌شویم که گویای ناهنجاری‌های اجتماعی‌اند و برای کم‌رنگ کردن این مشکلات جامعه، پیامی در آن‌ها نهفته است. «این‌رل» نیز از جمله مستندهایی است که شاید چنین هدفی داشته باشد.

حسین شمعدری، کارگردان این‌رل، از جمله مستندسازهای پُر حاشیه است که با انتخاب سوژه‌های جنجالی توانسته نام خود را در بین مخاطبان عموماً جوان خود، مطرح کند. از آثار پیشین وی می‌توان به انقلاب جنسی، میراث آلبرتا، حلال ممنوعه و متولد اورشلیم اشاره کرد. اما از میان این آثار، جنجالی‌ترین آن‌ها انقلاب جنسی بود.

انقلاب جنسی یا آزادسازی جنسی یک جنبش اجتماعی بود که نظام سنتی رفتارهای جنسی و روابط بین فردی را در غرب در فاصله‌ی سال‌های دهه‌ی ۶۰ تا ۸۰ میلادی به چالش کشید. و در ادامه ی آن، «این‌رل» به بازنمایی اوضاع جوانان‌ی پرداخت که جامعه، شرایط ازدواج را برای آن‌ها سخت کرده است. در واقع نمی‌توان اسم این سازه را مستند گذاشت. مستند با مجموعه‌ی داده‌های علمی گردآوری شده، بیان مسئله به طور شفاف و ارائه‌ی راه‌حلی برای آن همراه است. اما در این مستند نه پژوهشی انجام شده و نه مسئله به طور کامل بیان شده؛ و تنها در دو دقیقه آخر به بیان راه حل پرداخته است. می‌توان گفت این سازه بیش‌تر شبیه به دوربین مخفی و برنامه‌هایی از این قبیل است.

نکته‌ی مهمی که مورد توجه قرار می‌گیرد هدف از ساخت این مستند است. شاید در بخش‌هایی تلاش این مستند بیان مسائل اجتماعی و تا حدودی اقتصادی باشد، از جمله عدم ازدواج به علت مشکلات مالی و تلاش زنان برای بدست آوردن منبع درآمد از هر راهی. اما نه تنها در این مورد موفق نیست، بلکه توجه لازم را به رعایت نکات اخلاقی ندارد. مسئله‌ی اول این است که در این مستند ازدواج وسیله‌ای است برای رفع نیازهای جنسی و اگر شخص موفق به انجام این کار نبود باید از راه دیگری اقدام کند. همین‌طور این امر نادیده گرفته می‌شود که هدف ازدواج فراتر از این موارد است.

باید از راه دیگری اقدام کند. همین‌طور این امر نادیده گرفته می‌شود که هدف ازدواج فراتر از این موارد است.

**آیا ازدواج صرفاً برای رسیدن به آرامش جنسی است؟**

به گفته روانشناس برجسته دانشگاه پنسیلوانیا (مارتین سلیگمن)، ازدواج بیشتر از هر پیوند دیگری بین

انسان‌ها، در خوشبختی آنها نقش دارد. او معتقد است که ازدواج به زندگی افراد معنا می‌دهد، وی می‌گوید خوشبخت‌ترین افراد دنیا از کسانی هستند که ازدواج کرده‌اند.

علاوه بر دیدگاه نادرستی که این مستند در مورد ازدواج دارد، شامل عقاید نادرستی هم در مورد زنان می‌شود. در این اثر، زن به گونه‌ای تعریف شده است که وسیله‌ای بیش نیست برای رفع امیال مرد و مرد می‌تواند زن را به چشم طعمه برای رفع عطش خود ببیند و به راحتی جایگاه حقوقی اصلی او را نادیده بگیرد.

هم‌چنین بخش عمده‌ی آن به آموزش ناهنجاری‌های اجتماعی می‌پردازد، از جمله ازدواج موقت و برقراری روابط نامشروع بین جوانان.

علاوه بر تمامی این موارد، دیدگاه کارگردان از مثبت هجده چیست؟

ما در مستند با علامت (+18) رو به می‌شویم، لکن نمی‌توان گفت این مستند دارای محتوای مثبت هجده باشد. درواقع محتوای این مستند اکثراً شامل موارد ضد اخلاقی و ضد ارزشی است که استفاده از آن‌ها حتی به عنوان شوخی جایگاه مناسبی ندارد، چه برسد به استفاده در جایگاهی چون مستند یا فیلمی که به آن عنوان مثبت هجده بدهند.

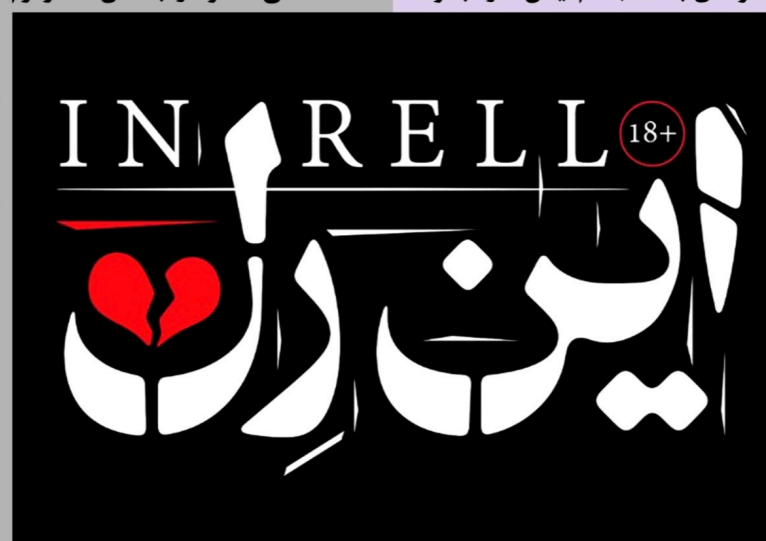
در واقع این مستند، تنها موقعیت‌ها و مکان‌های مختلف را کنار هم قرار می‌دهد، با نمایش برخی واکنش‌های مصنوعی قصد بازتاب گفته‌های تکراری و کلیشه‌ای را دارد، و نمی‌تواند محتوا و داستانی از آن دغدغه را به درستی ارائه دهد.

به راستی حرف اصلی این‌رل چیست؟

بیان فساد اجتماعی؟ راه‌حلی برای آن؟ رواج ازدواج؟ یا...

شاید در نظر اول بنظر برسد مقصود مستند بیان مشکلات جوانان است! از جمله توجه به شرایطی که امروزه در جامعه رواج دارد ازمانند مشکلات مالی و اقتصادی، عدم اعتماد زوجین به علت ناهنجاری‌های مرسوم، هم‌چنین نگاه دو فرد به یکدیگر به عنوان کالا که مدتی خود را با آن سرگرم کنند؛ اما محتوای این

سازه دارای موارد ضد ارزشی است که آن را از هدف اصلی دور می‌کند و متأسفانه نتوانسته آنگونه که انتظار میرفت، از راهی درست منظور خود را بیان کند.







## ساناز ثابتی

میکروبیولوژی ۱۴۰۰

# تکنولوژی در دسرساز یا دسرسازی برای تکنولوژی؟

در ششم آذرماه سال جاری، مدیرعامل این پلت فرم، به جرم فراهم آوردن موجبات فساد و فحشا دستگیر شد و این موضوع ناراحتی بسیاری از کاربران را برانگیخت و در کنار آنان، افراد مختلف و عوامل خود مجموعه دیوار نیز در این مورد بیانیه‌ای صادر نموده و نارضایتی خود را اعلام کردند. این افراد ادعا داشتند که خدمات دیوار همواره تحت قوانین موجود در کشور و نظارت نهادهای ذی ربط بوده است و هیچ عملی خلاف قانون صورت نگرفته است. همان‌طور که در ابتدای این مقاله گفته شد، با بررسی دقیق‌تر متوجه می‌شویم که این اتهامات به مدیرعامل این مجموعه یا عوامل دیوار ربطی نداشته و به اقدامات اشخاص ثالث مربوط می‌شود.

در نهایت با پی‌گیری‌های بیشتر در خصوص این پرونده، این حکم مورد تجدیدنظر قرار خواهد گرفت. عوامل دیوار نیز با بیانیه‌ای نگرانی‌های خود را از تبعات این تصمیم اعلام کرده‌اند و بیان داشته‌اند که این تصمیمات حتی ممکن است بر امید و انگیزه‌ی جوانان نیز تاثیر بگذارد و اگر به فکر راه‌اندازی استارت‌آپ و یا کسب و کار جدیدی باشند، به دلیل ترس از وقوع چنین اتفاقاتی از انجام آن امتناع ورزند.

به راستی درحالی‌که ایده‌ی یک جوان باعث چنین خدمتی به مردم شده و حتی مادامی‌که این مدیر جوان درگیر پرونده‌ای که سوءاستفاده‌گران، آن را رقم زده‌اند باشد نیز، این اپلیکیشن در حال خدمت‌رسانی به مردم است، آیا جوانانی که ایده‌هایی اعم از کارآفرینی و یا استارت‌آپ در زمینه‌های مختلف

در سر می‌پرورانند، جرئت اجرایی نمودن افکار خویش را با توجه به این پرونده و یا پرونده‌هایی مشابه خواهند داشت؟

به قول پلینیوس: امید مانند ستونی است که جهان را سرپا نگه می‌دارد. امید، رویای انسان بیدار است.

بشریت همواره به دنبال ابداع و یافتن روش‌های جدید و کاربردی جهت آسان نمودن کارهای روزمره‌ی خویش بوده و هست. در دو دهه‌ی گذشته جهان شاهد رشد چشم‌گیر صنعت نرم‌افزار و نقش‌آفرینی این پدیده در زندگی روزمره بوده است. این نرم‌افزارها توانستند به واسطه‌ی قدرت و توانایی‌های خود به سرعت در تمام زمینه‌ها نفوذ کرده و تا جایی پیش بروند که نتوانیم زندگی خود را بدون آن‌ها تصور کنیم. این مسئله به این دلیل است که استفاده از این فناوری در بسیاری از زمینه‌ها امکان پذیر است. برای مثال در زمینه‌ی شبکه‌های اجتماعی، فهرستی بلندبالا از انواع پیام‌رسان‌ها با قابلیت‌های بسیار متنوع در اختیار کاربران می‌باشد. یا مثلاً برای راحتی در انجام هرگونه خرید به صورت آنلاین، انواع و اقسام نرم‌افزارها با ویژگی‌های مطلوب در دسترس است.

اگرچه این موارد بخش کوچکی از خدمات پیشرفت تکنولوژی به ما انسان‌هاست اما این نکته را هم باید مورد توجه قرار خواهد داد که زمینه‌های دیگری برای استفاده‌ی نادرست از این ابزارها نیز وجود دارد. چه بسا افرادی که با راه‌اندازی اپلیکیشن یا سایت‌های خدماتی به منظور راحتی و خدمت به مردم مورد سوء استفاده‌ی همان مردم قرار گرفته و می‌گیرند.

در واقع هر پیشرفتی را می‌توان مانند شمشیری دولبه دانست. یکی از همین نمونه‌ها مسئله‌ی ایست که هم‌اکنون دامن مدیرعامل برنامه‌ی و سایت دیوار، جناب اشکان میرآرمنده‌ی را گرفته است.

دیوار، وبگاه و اپلیکیشن نیازمندی‌های اینترنتی و بستری برای خرید و فروش کالاهای نو و دست دوم و ارائه‌ی خدمات است که از سال ۱۳۹۲ مشغول به فعالیت است.



سال سوم، شماره دهم، دی ماه ۱۴۰۰

ریالت

# دیوار



# نترسید!

## دانشگاه زمین تمرین شماست



سید مهدی وزیری

علوم سیاسی ۱۳۹۵

کم کم متوجه شدم بدون وابستگی به تشکل‌ها هم می‌شود کاری کرد و صدایی داشت. همه‌ی این‌ها و خیلی چیزهای دیگر کم کم بود و نتیجه نترسیدن و قدم برداشتن.

### چهارم! ترم اول، ترم تفریح!

اگر سال اولی هستید، لطفاً هیجان زده نشوید سال/ترم اولی را تفریح کنید و دور بزنید و به هر آشی که در دانشگاه برایتان پختند، انگشتی بزنید. عجله‌ای برای رسیدن به چیزی که ترم هفتم و هشتم خود به خود می‌دهند دست‌تان نداشته باشید. تجربه و ارتباط‌های درون و بیرون دانشگاهی هم برای بهتر شدن و مفید بودن لازم است.

### پنجم! خلاقیت به میزان دلخواه!

هر چه قدر دلتان می‌خواهد خلاق باشید. نابود کنید کلیشه‌ها را! اصلاً فکر نکنید باید در چهارچوبی که دیگران تعریف کردند بازی کنید. کاری را انجام دهید که مستعدش هستید و از آن لذت می‌برید. و البته فکر می‌کنید وظیفه‌ی شماست. نشریه‌ی صوتی، نشریه‌ی دیواری، نشریه‌ی الکترونیکی، تبلیغات گرفتن، نقدهای تند ولی مودبانه، توزیع چهره به چهره نشریه، یادداشت گرفتن از مسئولین و خیلی چیزهای دیگر ابزارهای مختلف شما هستند.

### ششم! برای جزئیات وقت بگذارید.

سمبل کردن را بیخیال شوید. اگر قرار است مطلبی بنویسید حتماً چند مطلب مفصل و حرفه‌ای بخوانید. برای صفحه آرایی با حوصله فکر کنید و به ایده برسید. برای تیترها، برای عکس روی جلد ساعت‌ها وقت بگذارید. از روی جمله قبل ده بار بنویسید. چرا؟ چون نود درصد مخاطبین تا همین جا با شما همراه هستند. پس باید میخ را محکم بکوبید. خلاصه با بی‌حوصله بودن و بی‌دقتی کار رسانه‌ای و کار مکتوب در نمی‌آید.

### آخر! فوت کوزه‌گری!

**یک کلام است: تلاش کنید، یاد بگیرید**

**ولی سخت نگیرید.**

اگر مخاطب ثابت این ستون هستید، احتمالاً این هفته هم به دنبال اندوختن دانسته و مهارتی به این کنار چشم دوخته‌اید. اگر هم مخاطب گذری هستید که باید عرض کنم اینجا هر هفته یکی از پیرمرد/پیرزن‌های نشریاتی، چند خطی برای جوان ترها می‌نویسد تا زکاتی رد کرده باشد. هرچه هست باید خدمت مبارک‌تان عرض کنم این هفته خبری از مهارت و دانش والایی نیست و فقط راجع به چند نکته‌ی ساده و البته کنکوری حرف خواهیم زد. اندوخته‌های کسی حداقل به خیال خودش، چند سالی یک نشریه‌ی مستقل راه انداخته و چرخانده و به دست نفر بعدی سپرده.

### اول! منتظر دیگران نباشید!

همین اول کار باید عارض شوم که در دانشگاه برای هیچکس فرش قرمزی پهن نکرده‌اند. تصور نکنید که شما ستاره‌ای کشف نشده هستید و دیگران باید سمت شما بیایند. منتظر دیگری نمانید. خودتان بروید سمت نشریات/تشکل‌ها و ابراز علاقه مندی کنید. این شکلی خودتان را در معرض دید قرار می‌دهید و البته به دیگران امکان همکاری با خودتان را.

### دوم! جدی بازی کنید.

نویسنده یا سردبیر یا طراح و یا مدیرمسئول بودن، فرقی نمی‌کند، نهایتاً آن کسی که بیشتر زحمت می‌کشد و جدی‌تر بازی می‌کند سود بیشتری می‌برد. خیال نکنید اگر فقط یک مصاحبه گرفتید، کار کمی است. اینطور تصور نکنید که نشریات دانشجویی مهم نیستند و کسی به آن‌ها توجهی ندارد. بدون تعارف با این فرمون راه به جایی نمی‌برید. همان جایی که هستید را مرکز دنیا بدانید. دقیقاً همان زمین خاکی تمرینی را. اگر در تمرین‌ها خوب نباشید و خودتان را تقویت نکنید، دلیلی ندارد مریبان شما را در بازی اصلی بازی دهند پس همان زمین خاکی را جدی بگیرید.

### سوم! بد باشید!

یک روز استاد عزیز می‌ان کلاسی گفت: «دانشگاه زمین تمرین و بازی شماست. نترسید از خراب کردن و کار بد تحویل دادن و ضعیف بودن. تلاش کنید تا خوب بشوید.» من هم همین کار را کردم. کم کم متوجه شدم که می‌شود. کم کم متوجه شدم که با اندک درآمد دانشجویی هم می‌شود نشریه داری کرد.



# sanad.um.ac.ir

اخبار و اعلان های خانه نشریات

نحوه دریافت حمایت مالی

نحوه شرکت در جشنواره نشریات

اسناد و آیین نامه ها

اطلاعات کامل در خصوص

کمیته ناظر بر نشریات

در سایت سند

آرشیو کامل نشریات دانشجویی

نحوه درخواست مجوز نشریه

نحوه ثبت آرشیو نشریات

دستورالعمل نشریات دانشگاهی

لیست نشریات فعال

[sanad.um.ac.ir](http://sanad.um.ac.ir)

